

درس خارج اصول آیت‌الله اراکی «جلسه 51»

سال تحصیلی 99_98

مباحث حجج و امارات

در آغاز مبحث اصول تعریفی را برای اصول بیان کردیم:

«هو العلم بالقواعد الباحثة عن ادلة الحكم الفقهي دلالتا او اثباتا» و بیان کردیم برای

اینکه یک فقیه بتواند حکمی را استنبط کند به دو دسته از قواعد نیاز دارد:

یک دسته قواعد دلالت دلیل بر مقاصد شرع است که در اصول متعارف از آن به

«مباحث الفاظ» تعبیر می‌شود؛ لکن ما گفته‌ایم بهتر است «مباحث دلالات» گفته شود؛

زیرا این مباحث خود می‌توان علم جداگانه‌ای با عنوان علم منطق دلالت باشد که علم

فهم مراد متکلم است و تفاوت دارد با آنچه لغوی بحث می‌کند؛ زیرا مراد لغوی بیان

نحوه صحیح سخن گفتن است.

بیان کردیم که دلالت هم دو نوع است:

1. دلالت لفظی که رابطه بین دال و مدلول بالوضع و اعتبار است.

2. دلالت عقلی که رابطه بین دال و مدلول با عقل است.

لذا مباحث دلالات به دو بخش تقسیم شد.

دسته دوم از قواعد مورد نیاز فقیه، قواعد «اثبات الدلیل» است که از آن به مباحث

حجج و اصول عملیه تعبیر می‌شود. و این قواعد اثبات الدلیل سه بخش دارد:

1. قواعد اثبات دلیل واقعی که از آن به مباحث «حجج» تعبیر می‌شود.

2. اگر نتوانستیم دلیل بر حکم واقعی را پیدا کنیم، نوبت به وظیفه عملیه می‌رسد.

این تفاوت بسیار مهم بین اصول فقه شیعی و اصول فقه اهل سنت است. اهل سنت

ادله را اینگونه تقسیم کرده‌اند:

الف. «فیه نص» یعنی احکامی که نص در آنها وجود دارد.

ب. «ما لا نص فیه» احکامی که نص در آنها وجود ندارد.

درس خارج اصول فقه 2

دلیل اینکه آنها اینگونه تقسیم کردند این بوده است که از ائمه؟ عه؟ جدا شدند و دسترسی آنها به نصوص محدود شد. اما ما این تقسیم را قبول نداریم و می‌گوییم «ما لا نص فیه» نداریم و در همه جا نص وجود دارد که یا نصی است که حکم واقعی را مشخص می‌کند و یا نصی است که وظیفه را در مواقع عدم دسترسی به ادله حکم اولی مشخص می‌کند.

3. بحث تعارض ادله است و به تعبیر دیگر در این بخش بحث از قواعد اثبات دلیل در هنگام تعارض و تکاذب دو دلیل است، و اینکه کدام یک از آنها باید اخذ شود.

مباحث اثبات دلیل

قواعد اثبات دلیل واقعی

قبل از اینکه ورود به اصل مباحث، به سه نوع مقدمه می‌پردازیم:

مقدمه اول نوعی تمهید است و اینکه چرا به دو مقدمه بعدی نیاز داریم.

مقدمه دوم: مبادی تصویری بحث است و روشن می‌کنیم که معانی الفاظ مورد بحث ما چیست؛ مثلاً حجت به چه معنایی است؟ و همچنین قطع و ظن و

مقدمه سوم: برخی از مبادی تصدیقیه برای بحث حجج است؛ مثل اینکه مبنای حجیت در علم اصول چیست و اینکه قطع چه نقشی در حجیت دارد و اینکه اماره و حجت برای مجتهد و مقلد چیست و تفاوت بین آنها در چیست؟

مقدمه اول تمهید برای ورود به دو مقدمه دیگر -:

نکته اول:

برای شروع مباحث حجت، نیاز است ابتدا به مبادی تصویری و تصدیقی بحث بپردازیم. مبادی تصویری که شرح واژگان است، تا وقتی گفته می‌شود حجت، معلوم باشد مراد ما از حجت چیست و تفاوت حجت اصولی با حجت منطقی در چیست و یا فرق بین شک و ظن در منطق با شک و ظن در اصول چیست تا خلطی در مباحث صورت نگیرد.

درس خارج اصول فقه 3

مبادی تصدیقی بحث از یک سری از قوانین و اصول موضوعه است که مباحث حجج و امارات ما مبتنی بر یک سری مبانی پذیرفته شده پیشین است که از آن به «اصول موضوعه» تعبیر می‌کنیم که اینها باید قبل از ورود به بحث تنقیح شود.

نکته دوم:

دلالت دلیل بر دو قسم است:

1. گاهی دلیل دلیلی است که دلایلتش بالتکوین است و وضعی و اعتباری نیست و علم به دلیل تکویناً منتج به علم به نتیجه می‌شود. و علم به برهان، قهراً علم به نتیجه برهان را هم به همراه دارد بدون استثناء.
2. گاهی دلیل، دلیلی است که علم به این ذات آن دلیل، علم به نتیجه را به دنبال ندارد لکن معتبری که حق این اعتبار را دارد، اعتبار می‌کند و می‌گوید من علم به این دلیل را، علم به نتیجه می‌شمارم. و به عبارت دیگر دلالت آن دلیل به «تشریع» است. که گاهی از آن به دلیل تعبدی تعبیر می‌کنند که مراد از تعبد در اینجا، همان تشریع است.

پایان